

در میاهوی سکوت

روایت مستند از زندگی دانشجوی پیرو خط امام

و رئیس ستاد مبارزه با تحریک رجوی
احمد رسول الله

شهید عباس ورامینی

تحقیق و نگارش: جواد کلاته‌رئی



در هیاهوی سکوت

روایت مستندی از زندگی دانشجوی پیرو خط امام
و رئیس ستاد لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ
شهید عباس ورامینی



27 Publications

تحقیق و نگارش: جواد کلاته عربی

نظارت: گلعلی بابایی - محمود امینی

ویرایش: فاطمه کنشلو

نمونه خان: مجید محمولولی

طراحی جلد: نامه اصلانی

صفحه بندی و ویرایش تصاویر: فاطمه اصلانی

نوبت چاپ: اول / زمستان ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین چهارراه ولیعصر

و خیابان فلسطین، خیابان برادران شهید مظفر (شمالی)

بن بست یکم، پلاک ۴ تلفن: ۶۶۹۶۴۰۶۹ - ۶۶۹۶۴۰۷۱

سرشناسه : کلاته عربی، جواد کلاته
عنوان و نام پدیدآور : در هیاهوی سکوت: روایت مستندی از زندگی
دانشجوی پیرو خط امام و رئیس ستاد لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله
علیه آله شهید عباس ورامینی / تحقیق و نگارش: جواد کلاته عربی
مشخصات نشر: تهران: مرکز مطالعات پژوهشی ۲۷ بعثت، انتشارات
[بیست وهفت] بعثت وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سپاه محمد
رسول الله (ص) تهران بزرگ، موسسه حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع
مقدس، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص. : مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۷۲-۷۴-۳
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
عنوان دیگر: روایت مستندی از زندگی دانشجوی پیرو خط امام و رئیس
ستاد لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه آله شهید عباس ورامینی.
موضوع : ورامینی، عباس، ۱۳۳۳-۱۳۶۲.
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- خاطرات
موضوع : شهیدان -- ایران -- یازماندگان -- خاطرات
موضوع : ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- خاطرات
شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. سپاه محمد رسول الله (ص)
تهران بزرگ، موسسه حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس. مرکز
مطالعات پژوهشی ۲۷ بعثت. انتشارات ۲۷ بعثت
شناسه افزوده : Islamic Revolution Iranian Revolutionary
Guards. Army of Prophet Mohammad in Tehran . Institute
for Preservation and Publication of Sacred Defense Values .
Publication ۲۷.mission ۲۷ Research Center
رده بندی کنگره : ۱۳۹۷/۸۳ DSR1۶۲۶
رده بندی دیویی : ۸۴۳/۹۱۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۵۲۷۸۹۴۲

جهت آشنایی و اطلاع از سایر محصولات نشر ۲۷، عدد ۲۷ را به ۳۰۰۰۲۱۹۰۲۷ پیامک کنید

فهرست

مقدمه نگارنده / ۹

فصل یکم: محله فراموش نشدنی / ۱۹

فصل دوم: سال‌های پراشتاب / ۴۱

فصل سوم: به سوی دانشگاه جبهه / ۱۳۷

فصل چهارم: در هیاهوی مکتب / ۲۰۵

وصیتنامه شهید عباس ورامینی / ۲۳۳

عباس ورامینی به روایت همّت / ۳۳۷

ضمیمه‌ها / ۳۶۳

منابع و مآخذ / ۴۲۰

تصاویر و اسناد / ۴۲۳

مقدمه نگارنده

عباس ورامینی برای من اسمی بود. روزی زونکن آبی رنگ قفسه اتاق کارم که در کنار ۱۸۰ اسم و زونکن دیگر، چندان به چشم نمی آمد. یک روز آقای رئیس بعد از بارها اصرار در ماه های گذشته، حکم کرد: یکی از پرونده های تحقیق شهدای لشکر ۲۷ را بردار و یک کتاب بنویس! «دوباره و یک - دوباره رفته سراغ زونکن ها و این بار دستم از کنار نام هایی آشنا، رفت روی اسم عباس ورامینی و آن را کشیدم بیرون. قبل از آن فقط اسمش را شنیده بودم و عکسش را روی یکی از دیوارهای خیابان وحدت اسلامی دیده بودم؛ همین.

برگه های لای زونکن آبی رنگ، پرینت تعدادی مصاحبه با اعضای خانواده شهید ورامینی در سال های بعد از جنگ بود به اضافه چند قطعه تصویر از مدارک شخصی شهید و پرینت قسمت هایی از ویژه نامه شماره ۸۶ مجله «شاهد

یاران» با موضوع شهید عباس ورامینی، این برگه‌ها تمام چیزی بود که سازمان حفظ آثار سپاه حضرت محمد رسول‌الله ﷺ تهران بزرگ تا آن زمان جمع‌آوری کرده و در اختیار نشر ۲۷ قرار داده بود. کارم را با مطالعه همین برگه‌ها شروع کردم. شادم. یاران گفت‌وگوهای خوبی با یاران و بستگان ورامینی ترتیب داده بود و عزرن یکی از منابع مهم، استفاده‌های بسیاری از آن کردم. اما وقتی همه مصاحبه‌ها را تمام کردم، دیدم برای رسیدن به جزئیات بیشتر و دقیق‌تر، پر کردن خلأهای موجود و به‌خصوص، رفع تناقض‌ها، به گفت‌وگوی دوباره با برخی مصاحبه‌شونده‌ها، حتی پیدا کردن اشخاص جدیدی برای کسب اطلاعات بیشتر، نیاز دارم. این بخش از کار توسط اینجانب و همکارانم در بخش تحقیق مؤسسه فرهنگی هنری، وایت ۲۷ بعثت انجام پذیرفت.

غیر از مصاحبه‌ها، احساس کردم، ری تکمیل خاطرات و به دست آوردن اطلاعاتی دربارهٔ زمانهٔ زندگی او، نیازمند تحقیقات نسبتاً مفصل کتابخانه‌ای هستم. بنابراین، به کتاب‌های خاطرات خدمت همراهانش در لائنه جاسوسی و نیز به کتاب‌هایی دربارهٔ عملیات‌های لشکر ۲ محمد رسول‌الله ﷺ و خاطرات مکتوب رزمندگان این لشکر رجوع کردم. علاوه بر اطلاعاتی که دربارهٔ زمانهٔ زندگی شهید به دست آوردم، بعضی از این منابع، حاوی اطلاعات و خاطراتی از عباس ورامینی بود که در هیچ گفت‌وگویی ندیده بودم. از اطلاعات بعضی کتاب‌های مرجع دربارهٔ جنگ ایران و عراق (حد فاصل شروع جنگ تا عملیات والفجر ۴) هم استفاده کردم تا بستر زندگی شخصیت اصلی کتاب، کمی جزئی‌تر و شفاف‌تر شود.

از شهید ورامینی اسناد قابل توجهی شامل: نامه‌های شخصی،^۱ سخنرانی، مصاحبه و مکالمات بی‌سیم، باقی مانده بود که تا اواسط نگارش کتاب از وجود برخی از آنها بی‌اطلاع بودم. من هم سعی کردم در لابه‌لای متن کتاب و به مقتضای نیازم، بیشترین بهره را از آنها ببرم که البته پیدا کردن این اسناد، خود، ماجرابی دارد! از جمله این اسناد ارزشمند، مصاحبه ایشان در تاریخ ۹ بهمن ۱۳۶۱ (پیش از آغاز عملیات والفجر مقدماتی) است که با راهنمایی آقایان کلعلی باانی و حسین بهزاد و با کمک سردار محمود امینی^۲ به آن دسترسی پیدا کردم. از این مصاحبه مفصل که درباره شکل‌گیری «سپاه ۱۱ قدر» و سازمان ستاد ایر سپاه است، بعد از بررسی صوت و تنظیم مجدد آن، بیشترین استفاده را کردم. هـ. چنانچه به گزارش‌های مکتوب راویان جنگ،^۳ متن بعضی مصاحبه‌ها،^۴ گفت‌وگوهای -المسات فرماندهی و متن بی‌سیم عملیات والفجر^۵ نیز دست پیدا کردم و از آنها به‌اندازه لازم را بردم.

* * *

کتاب را به چهار فصل تقسیم کرده‌ام. فصل یکم، از پسینه آباء و اجدادی عباس می‌گوید، سال‌های کودکی و نوجوانی در محله پاچنار تا دوران خدمت سربازی و

۱. بعضی از نامه‌های شخصی ایشان برای استفاده مخاطبان، نیازمند اندکی دخل و تصرف بود. این دخل و تصرف‌ها صرفاً در حد بعضی علائم سجاوندی و همچنین، جابه‌جایی چند کلمه و حذف و اضافه برخی واژه‌ها برای کمک به درست خواندن بعضی جملات بوده است. لازم به ذکر است که همین ویرایش بسیار اندک هم فقط و فقط در موارد نادر و ضروری رخ داده است. بنابراین، اصالت نامه‌ها به طور کامل حفظ شده‌اند.

۲. فرمانده گردان حمزه علیه السلام از لشکر ۲۷ محمد رسول الله صلی الله علیه و آله در دوران دفاع مقدس.

۳. افرادی که همراه فرماندهان لشکر بوده‌اند و با ثبت و ضبط تمامی دیده‌ها و شنیده‌هایشان، امروزه منبع اصیل و دقیقی از لحظه‌لحظه عملیات‌ها برای ما به یادگار گذاشته‌اند.

۴. قبل از آغاز عملیات فتح مبین و بعد از انجام عملیات والفجر.

دانشجویی اش در رشته مددکاری اجتماعی. به ماجرای سال های انقلاب و لائۀ جاسوسی در فصل دوم پرداخته ام. عباس، دانشجوی مسلمان پیرو خط امام، در همین فصل از زندگی اش با سمیه جهانگیری آشنا می شود و ازدواج می کند. کسی که قرار است یار و همراه او در آینده ای پرالتهاب باشد.

نسل سوم از روز اول جنگ شروع می شود و حضور عباس در جبهۀ آبادان را روایت می کند... مبین جاست که او به عضویت سپاه درمی آید و به عنوان مسئول واحد آموزش بسیج تهران کارش را شروع می کند. او که همیشه دوست دارد در واحدهای عملیات باشد تا دست میز اداره، بدون اطلاع مسئولان بسیج تهران در عملیات فتح مبین شرکت می کند و از آن به بعد، هر جا که حضور داشته باشد، خودش را در وقت مأموریت عملیات به معرکۀ نبرد می رساند. نخستین حضور او به عنوان فرمانده، در دروازه حبیب ابن مظاهر (گردان نهم) از تیپ ۲۷ محمد رسول الله ﷺ و در عملیات فتح مبین است. او فرمانده گروهان یکم (شهید بهشتی) گردان حبیب ابن مظاهر می شود. دستورات لیاات الی بیت المقدس به عنوان معاون گردان مقداد ابن اسود معرفی می شود. او در مرحله اول این عملیات زخمی می شود، به عقب برمی گردانند، اما خیلی زود خودش را به همرزمانش می رساند تا از نزدیک شاهد آزادی خرمشهر باشد.

در فصل چهارم، انگار قسمت نیست پاسدار شیک پوش و خوش سیما در کسوت یک فرمانده پشت خاک ریز به کارش ادامه دهد. برای عملیات مسلم ابن عقیل علیه السلام می رود پیش حسین الله کرم تا با کار اطلاعات - عملیات آشنا شود. اما محمد ابراهیم همت برای مسئولیت مهمی، به او نظر دارد. عملیات والفجر مقدماتی، عباس و رامینی به عنوان رئیس ستاد سپاه ۱۱ قدر، کنار دست

محمد ابراهیم همت کارش را شروع می‌کند. در پایان عملیات والفجرا و بعد از انحلال سپاه ۱۱ قدر، او در مقام ریاست ستاد لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ به کارش ادامه می‌دهد. عباس ورامینی بعد از این عملیات عازم سفر حج می‌شود و در عملیات بعدی لشکر (والفجر ۴) با اینکه رئیس ستاد است، از حاج همت می‌خواهد در شب عملیات برای هدایت تیپ‌ها و گردان‌های عملیاتی، همراه آنها بیاید. حضور او در سنگر دیدبانی توپخانه بر روی ارتفاع ۱۸۶۶ کانی مانگا بود که باعث شد یک نفر بعد از ۳۱ سال، اسم او را روی زونکن آبی رنگی با عنوان «شهید عباس ورامینی» ببیند.

در نگارش زندگی و زمانه شهید عباس ورامینی از دو زاویه دید استفاده کرده‌ام. بیشتر متن کتاب را به روایت سره‌مخض مفرد نوشته‌ام و در میان آنها، گاه از زاویه دید اول شخص مفرد نیز استفاده کرده‌ام. همه روایت‌هایی که درباره حاج عباس است یا به نوعی به او بازمی‌گردد، چیزی جز گفته‌های او (اعضای خانواده، دوستان، همکاران و هم‌زمان او) نیست؛ البته ترجیح داده‌ام بعضی از اطلاعات، خاطرات و ویژگی‌های شهید را به خاطر همین «شان» در حدیث دیگران» (اول شخص مفرد) به تصویر بکشم. همچنین بعضی خاطرات و اطلاعات عباس ورامینی، دستمایه استفاده من از زاویه دید اول شخص مفرد شد. از این متن‌ها که گاهی بار عاطفی هم دارند و به نوعی، نجوای مستند نگارنده با شخصیت اصلی کتاب است، به عنوان ورودی کوتاهی در آغاز بخش‌های کتاب استفاده کرده‌ام.

عباس ورامینی با خودش و همسرش قرار می‌کند تا وقتی میدانی برای مبارزه در این عالم باقی مانده است، مرد میدان مبارزه باشد. اما او زندگی را هم خیلی خوب می‌فهمد. درگیر آلام انسان‌های دردمند است. بچه‌های یتیم‌خانه آنقدر برایش مهم هستند که نمی‌تواند بهشان فکر نکند و هر هفته برایشان وقت نگذارد یک گریه می‌شم می‌تواند تا وقتی دوباره او را می‌بیند، کامش را تلخ کند. در سخت‌ترین شرایط عملیاتی دست به قلم می‌شود و برای اعضای خانواده‌اش و حتی مردم ایران نامه می‌نویسد. بر این اساس، من هم سعی کردم بر اساس اطلاعات، روابط انسانی و فراز و فرودهای زندگی شخصی او را در کنار فعالیت‌های انقلابی و ستم‌های نظامی‌اش ببینم و روایت کنم.

سردار شهید حسین همدانی، از بزرگوارانی بود که در روزهای نخست شروع پژوهش، دعوت ما را برای انجام مصاحبه پذیرفت. روح بزرگش قرین رحمت بی‌کران خداوندی. سمیه جهانگیری (همسر شهید) و علی ورامینی (برادر شهید) در چندین جلسه مصاحبه به سؤالاتم درباره زندگی عباس ورامینی پاسخ دادند. مرتضی مسعودی، محسن حسینی (سه جلسه)، عزیزالله نزل‌آبادی، قاسم رجبی، امیر سعیدی، اکبر ربانی، اصغر میرانی، عباس آزادی، رسول توکلی، محمد دانش‌راد، ابوالقاسم یاسینی، عباس بنکدر، حیدر زندیه، اصغر معرفت‌جو و اصغر آبخضر از هم‌زمان شهید نیز قبول زحمت کردند و از خاطراتشان با عباس ورامینی برایم گفتند. از همه این عزیزان صمیمانه سپاسگزارم.

همچنین تشکر می‌کنم از:

دکتر سید حسن شکری، رئیس اسبق مؤسسه فرهنگی هنری روایت ۲۷ بعثت که پیشنهاد نگارش این کتاب را به بنده داد:

استادیم: سردار محمود امینی، سردار گلعلی بابایی و آقای حسین بهزاد که علاوه بر راهنمایی‌ها و تشویق‌هاشان در حین انجام کار، زحمت بازبینی و نظارت محتوای کتاب را هم به عهده گرفتند؛ به خصوص جناب آقای بابایی که با بیان برخی نکات مهم به برطرف شدن برخی اشکالات متن حاضر کمک شایانی کرد:

مازیار خاتمی، مدیر عامل مؤسسه فرهنگی هنری روایت ۲۷ بعثت و دیگر همکارانم در این مؤسسه: محمدرضا بهشتی، مرتضی بیگدلی، محمد خیارایی، سعید افشار، معصومه زهرانی و محبوبه گودرزی، برای همدلی و مساعدتشان در طول مدت تحقیق، نگارش و آماده‌سازی چاپ و همچنین از خانم فاطمه اصلانی به خاطر هنرمندی‌اش در صفحه‌آرایی و طراحی جلد کتاب.

احمد لطفی و محمدرضا سعیدی در سرایان حفظ آثار سپاه حضرت محمد رسول الله ﷺ تهران بزرگ که برخی اسناد، منابع و مدارک مهم مربوط به شهید ورامینی و عملیات‌های لشکر ۲۷ محمد رسول الله ﷺ را به اختیارم قرار دادند؛ علی ورامینی (برادر شهید) و سمیه جهانگیری (همسر شهید) که متن کتاب را در چندین نوبت خواندند و علاوه بر بیان اشکالات موجود، به باقی‌مانده مؤالاتم پاسخ دادند؛

محمدحسین ورامینی (فرزند شهید) که در هماهنگی‌های پژوهش و بررسی متن کتاب توسط خانواده و جمع‌آوری اسناد و تصاویر بار و یاورم بود؛ شمس‌ا سبزیان، زهرا زمانی و مجید محمدولی که با توانایی و تجربه‌ی خویشان،

زحمت انجام بعضی از مصاحبه‌ها را به عهده گرفتند؛ همسر فاطمه کنشلو که با تشویق‌هایش همواره یار و یاورم در عرصه مستندنگاری انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بوده و در طول سه سال پژوهش و نگارش این کتاب، با آماده کردن محیط خانه، نقش بزرگی در به ثمر رسیدن این برداشته است.

والحمد لله رب العالمین

جواد کلاته عربی